

آینده نگاری راهبردی در دکترین مهدویت

کلمه سید حسن فیروزآبادی^۱

□ چکیده

بحث آینده نگاری و ظهور منجی که در غرب در فضائی فراتر از ابعاد علمی و دینی به آن نگریسته می‌شود، جا دارد در میان شیعیان که این باور در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان موج می‌زند به صورت جدی تر مورد توجه قرار گیرد و موضوع آینده نگری در تمامی ابعاد این اتصال ناب تعمیم داده شود تا بتواند در جلوه‌های ظهور مهدی موعود (علیه السلام) درون این دکترین و گفتمان‌های متصل به آن متبلور گردد. امروزه در غرب، بخش مهمی از متفکران سعی و افکارشان را صرف رویکرد مدیریت تحولات دوره آخرالزمان که از آن تحت عنوان ظهور مسیح (ع) و جنگ پایان تاریخ یاد نموده‌اند، کرده‌اند و بر این دیده آینده گرایانه تأکید می‌نمایند که اگر بتوانید آینده را پیش بینی کنید می‌توانید آن را بسازید. این مقاله نیز با نگاه آینده پژوهانه و با تأکید بر مکتب راهبردی شناخت، تلاش دارد با مراجعه به آیات و روایات و متون دینی اسلام ناب محمدی (ص) و بهره گیری از متدولوژی تحلیلی جامع تفسیری، تحولات و رخداد‌های آینده را مورد دقت و نگاهت قرار داده و راهبردهای لازم در شکل گیری و دستکاری آینده را بر اساس نص صریح آیات و روایات مبتنی بر "تداوم ولایت" تدوین و تبیین نماید.

□ کلیدواژه

آینده نگاری، دکترین مهدویت، منجی گرائی، ظهور، ادیان الهی، راهبرد

□ مقدمه

انقلاب اسلامی با پیروزی شکوهمند خویش در مقابل دنیای مدرن، نوید جوشش دوباره بشر را برای دستیابی به حیات طیبه و آرمان شهر الهی به همراه داشت. اصلی ترین شاخصه این انقلاب بزرگ، ادعای آن در بازستانی حضور دوباره دین در عرصه فرایندهای اجتماعی است.

آینده نگری به دیرینگی خودآگاهی تاریخی آدمی است. از آن زمان که آدمی به هستی تاریخمند و نیز تاریخمندی هستی خویش اندک آگاهی یافت، پیش‌بینی و نیز پیشگویی رویدادهای گوناگون آینده، به ویژه رویدادهای طبیعی و سیاسی - اجتماعی از اهمیتی گاه سرنوشت‌ساز برخوردار شد و پیش‌بینی روشمند فراطبیعی نگرانیه، تبلور خویش را در تبیین اسطوره‌ی جهان و ادوار گوناگون سیر حوادث و نقش بازی شخصیت های فراتاریخی یافت و جهان‌نگری نظام‌مند هر قوم پدیدار شد. انسان‌ها این‌گونه دریافتند که اگر آینده‌نگری موضوعیت و حقیقت دارد پس موضوع آن، یعنی (آینده)، از واقعیت و عینیت خاصی برخوردار است که گونه‌ای حتمیت و تحقق ناگزیری را به ذهن خطوط می‌دهد و (ساختن) در مورد چنین آینده‌ای فرصت و مجالی حیاتی است که نباید آن را نادیده گرفت و این رویکرد، تعادل فی مابین جبر و اختیار را در خصوص امور آینده مطرح می‌کند که جدای از خداوند کریم، آنکه که در قرآن مجید این ارتباط را در آیه مبارکه "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ" (رعد/۱۱) گوشزد می‌کند، اما به دلیل تمرکز این مقاله بر نقش و اراده انسان در ساخت فضای ظهور و سهم او در مثبت سازی فضا و زمینه آن، پرداختن به فلسفه تاریخی آینده نگری را از حوصله این مقاله خارج و به مجال دیگری حواله می‌بخشد. در هر حال در نگاه انسان مختار، آینده‌سازی و آینده‌شناسی ملازم یکدیگرند و آینده‌گرایی هرگز به معنای پیش‌بینی برای آماده شدن منفعلانه با آینده‌ای محتوم نیست.

امروز می‌توان این منظر را با سیری گذرا در کتب مقدسه ادیان و مذاهب مختلف جهان، رویت نموده و به این حقیقت رسید که اعتقاد به ظهور مصلحی که در آخر الزمان ظهور می‌کند و جهانی را که پر از ظلم و بی‌عدالتی گشته، اصلاح و عدالت را بر آن حاکم خواهد کرد، یک اعتقاد جهانی و همگانی است. در زبور داوود می‌خوانیم که او "قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد" و یا در تورات آمده "اگر چه تاخیر کند برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد" و در انجیل این گونه آمده است که "آنگاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال

عظیم می‌آید" این تأکید در کتب مقدسه هندوها در این گزاره نقش بسته است که "کالکی" مظهر دهم و یشنو، در انقضای عصر آهن، سوار بر اسب سفید در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌داری در دست دارد ظاهر می‌شود و شیریران را تماماً هلاک می‌سازد" در کتب مقدسه مانویه نیز هست که "خرد شهر ایزد، در آخر الزمان ظهور کرده، عدالت را در جهان می‌گستراند" و کتب مقدسه زردشتیان بیان می‌دارد که "سوشیانت دین را به جهان رواج خواهد داد. (بی‌نا-۱۳۸۳: ۱۴۷)

البته اگر چه ما نتوانیم از همه نویدها در نگاه کلی جهان نسبت به شخص مصلح در آخر الزمان به وجه اشتراک کاملی برسیم ولی سوای از شخصیت‌های مورد تأکید همه آنها، می‌توان از وقوع یک حقیقت مسلم در آینده، حمایت جهانی نمود و شرایط همراهی و همکاری جهانی را در قالب راهبردهایی که منتظران در پناه آن، خود را برای ایفای نقش و پذیرش عدالت و جهان‌گستری وی آماده و مستعد نمایند، آماده و فعال نمود.

در این راستا رویکردهایی را در دین مقدس اسلام می‌توان یافت که باب ویژه‌ای در انتظار فرج گشوده و برای منتظران ظهور، ویژگی‌ها و دستوراتی بیان شده است که منتظران را به کسب این توانمندی‌ها و اصول، در راستای آماده‌سازی ظهور ترغیب می‌کند. این تأکید را می‌توان در کلام امام کاظم علیه السلام مشاهده نمود که می‌فرماید:

« دویست سال است که شیعه با آرزوی فرج و کسب آمادگی برای آن تربیت می‌شود.» (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۵۶)

تربیت و آمادگی برای ظهور و فرج حضرت، جدای از نیازمندی به خودسازی و اصلاح نفس و پاکسازی درونی، نیازمند اعتقاد، امید، انتظار و عمل نیکو و شایسته منتظران می‌باشد تا عمل خود را در قالب برنامه و راهبرد هدایت و مدیریت ولائی که در دیگر آیات و روایات بر آن تأکید دارد، مستقر نمایند، که این تصریح را نیز در فرمایش گهربار دیگری می‌توان یافت که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آن کس منتظر حقیقی حضرت قائم به شمار آید، که در حین چشم به راه بودن به پارسایی و نیکوئی رفتار کند. حضرت آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر جامع خود ضرورت وصل منتظران در قالب رویکرد ولائی را تأکید کرده و می‌نویسد:

دعای " اَللّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي " در یک بخش ناظر به کسب علم و معرفت در شناخت حجت خداوند بر روی زمین است. در این دعا یک تحلیل فلسفی و عقلی جدی نهفته است که آن را از سنخ دیگر ادعیه جدا می‌سازد. این سنخ

برای آن است که مومنان را مجدد از غدیر به سقیفه نکشاند و آنان را از الگوهای مردم سالاری خشک غربی به مردم سالاری دینی سوق دهد. در این فراز از دعا منظور از حجت، آن خلیفه‌ی خدا و مظهر اسم اعظم است که هم تشریح و هم تکوین به اذن خدا از آن دولت اوست. احتجاج فاطمه کبری (علیها آلاف التحیه والثناء) در هنگام استرداد حق خلافت و ولایت در مسجد مدینه چنین بود: *أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقُومِ يُوقُنُونَ.* (مائده/۵۰) لذا اگر کسی امام زمانش را شناسد، یقیناً منتظر او و زمان فرارسیدن ظهور او نیز نخواهد بود و در این هنگام است که حیات او حیات جاهلیت و مرگ او نیز مرگ جاهلیت است. امروز نیز نیابت این ولایت بر روی زمین بسیار حائز اهمیت است.

جلوه این فرمایش را شاید بتوان در بیان متقن و مستحکمی از امام خمینی «ره» نیز یافت که در نکته ای بسیار دقیق و ظریف همین تعمیم را در مورد وظیفه ملت ایران در برابر امام زمان علیه السلام تشخیص داده و آن را "خدمت در انتظار" می‌نامند.

"ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است." (صحیفه نور - ج ۲۷-۱۳۷۱)

این تعبیر که شاید اساسی ترین کلید ورود به تدوین دکترین مهدویت و آینده‌گرا نمودن آن در عصر نایب ایشان حضرت آیت ... خامنه‌ای است، از دو واژه خدمت و انتظار تشکیل شده است، یعنی نوعی از فعالیت است که در آن امید، صبر، تلاش کسب اقتدار و احراز آمادگی در سطح جهان وجود داشته و با نیت و اندیشه همراه است "به گونه ای که نایب برحق او آن را خدمت در انتظار" غیر از خدمت معمول در نزد عامه می‌داند.

با حاکمیت روح "خدمت در انتظار" در فضای نظری و عملی دکترین و راهبردهای حاکم بر آن به نظر می‌رسد همه فعالیت‌ها از استحکام، قداست و برکت ویژه ای برخوردار شود و در آن از آفات مختلف خبری نخواهد بود. با حاکمیت برنامه آینده‌گرایانه، در این رویکرد است که نه تنها پیشرفت کشور در همه زمینه‌های مادی و معنوی تضمین خواهد شد، بلکه از شدت و قدرت بیشتر و بالاتری برخوردار می‌گردد.

در حقیقت آنچه کشور ما برای رسیدن به همه اهداف مادی و معنوی خود، در حال حاضر سخت به آن نیازمند است، حاکمیت چنین راهبرد آینده‌گرایانه ای در مسئولان و مدیران و در درجه بعدی عامه مردم است، که فرهنگ و تحولی این چنین و نیازمندی آن را به تفکر و برنامه ریزی و تلاش آینده‌نگرانه در زمینه‌های مختلف علمی و عملی ادراک نموده و تمام

ایام زندگی خود را بر این اساس تقسیم کنند و مصداق این فرمایش شریف صادق (ع) گردند که فرمودند: «لوادرکتہ لخدمتہ ایام حیاتی»، اگر او را درک می‌کردم تمام ایام زندگی خود؛ به او خدمت می‌نمودم (مجلسی، ج ۲۲: ۱۴۸)

□ بیان مسأله

"آخر الزمان"، افقی از زمان است، که در طول تاریخ توجه بسیاری را به سوی خود جلب کرده، تا این سؤال که سرنوشت وضعیت جهان چه خواهد شد؟" را از سوی مخاطبان خود پاسخ دهد. افرادی که نمی‌توانستند نسبت به آینده و به خصوص آخر الزمان بی تفاوت باشند، زمان حال را با انبوه تحولات در حال گذر آن، پیش روی خود می‌بینند، در حالی که همواره از خود سؤال می‌نمایند که به هنگام ظهور منجی بشریت چه روی می‌دهد و چه گونه روی می‌دهد؟ اهمیت این موضوعات تا چه حد است که از صدها و بلکه هزاران سال قبل، توجه مکاتب فراوانی را به سمت خود معطوف کرده است، به طوری که بازتاب آن را به صورتی گسترده و فراگیر در تمام ایدئولوژی‌های الهی گونه می‌توان بدین شکل مشاهده نمود که بسیاری از مکاتب، رمز موفقیت خود را گنجائیدن اهداف و قابلیت‌های خود در بستر ظهور منجی و فرآیند آینده نگری و واکاوی در آینده‌ای محتوم دانسته و تلاش دارند برای برنامه‌ها و راهبردهای آینده چشم انداز و بستر روشنی را به تصویر بکشند و در این بین، مکاتب دینی و غیر دینی این رویکرد را با غایت پویاسازی عقیده خود و تصویرسازی ذهنی آن در قالب "پایان جهان" دنبال می‌کنند. (کارگر، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

نکته دیگر امکان باز تجدید گذشته‌ی تاریخی پر افتخار و مملو از رفاه و امنیت است که اگر این تمدن را در گذشته تاریخی خودمان تجربه کرده ایم چه گونه می‌توانیم باز تکرار آن را در افق آینده به خصوص آینده انسان‌ها و جوامع اسلامی فراهم کنیم و این تمدن چه جایگاهی در این آینده دارد؟

بی‌گمان ظهور آخرین منجی بشریت، در پایان دوران، حادثه‌ای بی‌مانند است، که تاریخ فقط یک بار آن را تجربه خواهد کرد. این ظهور بزرگ، افزون بر آن که دارای نشانه‌هایی است، دارای شرایطی نیز هست. که آینده شاهد شکل‌گیری آن خواهد بود و لذا امکان شناخت و امکان تاثیر گذاری بر آن بسیار حائز اهمیت است و لیکن این شرایط ظهور چگونه خواهد

بود؟ چگونه می توان آن را شکل داد و برآن تاثیر گذاشت، این سؤالات و ابهامات از جمله پرسش هایی است که در دفتر پایان تاریخ باید جستجو گردد و بدان پاسخ داده شود.

آنچه که در مباحث مهدویت و در مفروض به این سؤالات می تواند مطرح گردد توجه به این نکته است که اگر یک نظام فرهنگی از اعتقادی صحیح (سازنده - حرکت آفرین و هویت بخش) و منطقی برخوردار باشد می تواند در شکل گیری آینده ای مطمئن نقش ایفا نموده و تهدیدات سد راه خود را مدیریت کرده و از همه فرصت های خود برای ساختن فرهنگی در راستای وعده های الهی بهره گیرد. در حرکت به سوی این ایده و در موازات و یا تقابل با نگرش های حوزه مهدویت، این مسأله ظاهر می شود که آیا شیعیان و منجی باوران که راهی برای دستکاری در گذشته ندارند، می توانند با برنامه ریزی و پیش بینی صحیح تحولات و رخدادها، آینده را دستکاری کرده و در شکل گیری آن تاثیر گذارند؟ (مظاهری، ۱۳۸۳: ۸۵)

مهم ترین کارکردی که بر خلاف تحجر، ماندن و در جازدن، به ارتقاء، رشد و به آوری گرایش پیدا می کند، متکی بودن بر آینده پژوهی است که بر خلاف گذشته پژوهی که منفعلانه عمل می کند عنصر دیگری را محقق می داند و آن را توجه به اختیار و اراده بشری که خداوند در او به ودیعت گذارده تا به ایفای نقش احتمالی خود در آینده بیندیشد و آن را عملی سازد، لذا اگر ملت و یا تمدنی بخواهند در آینده با این رویکرد، بازیگر اصلی، تعیین کننده و پایان دهنده باشند، باید بدانند که چقدر قدرت دارند و آگاهی هایشان از سناریوهای محتمل خود و رقیب چقدر است؟ آگاهی آنان از امروز چقدر است؟

آنچه مسلم است در منازعات آینده همه شرایط در اختیار ما نیست و ما درصدی از آینده هستیم که باید توان و نقش خود را متناسب با ماموریت الهی به هنگام ظهور حضرت کسب نماییم، لذا برای این آمادگی باید اکتشاف توان نمائیم که امکانات ما برای حضور در آینده چیست؟ آیا رویکرد و توان دینی و فرهنگی فعلی ما می تواند به ما کمک کند تا از آینده استقبال کنیم یا خیر؟

آیا توان و غایت آرمانی ما در قبال کارکردهای حریف استکباری، می تواند پیروان را مطمئن سازد که قادرند در آینده زندگی نمایند؟ آینده در کدامین شرایط برای ظهور ایشان آماده می شود و امنیت دارد؟

□ ضرورت و اهمیت تحقیق

اکنون ما با دو جریان و دو سیر تاریخی بسیار شتابان روبرو هستیم. نخست، سیری مبارک به سوی صلاح و شایستگی و معنویت هر چه بیشتر در مردم، با شکل گیری نظام های خدمتگزار و عدالت جو و دوم، سیری شوم به سوی نفسانیت و قساوت هر چه شدیدتر. سیر نخست انسان ها را به فلاح و امنیت و عدالت و سعادت الهی می خواند و سیر دوم، آنان را به دنیا مداری، شیطان و قساوت می کشاند.

آینده نیز در تعارض و تصادم این دو منظر که دو نقطه مقابل یکدیگر هستند شکل گرفته و هر چه زمان پیش می رود تقابل این دو شدیدتر و جدی تر می شود. سیر نخست، سیری عالمانه، ناظر به آینده و به معنای دقیق کلمه، انقلابی است که با تمام وجود تلاش می کند «وضع گذشته و موجود» را به «وضع آینده و موعود» و یا «یوم الدنیا» را به «یوم الدین» بدل نماید.

در دین مبین اسلام "مهدویت" امیدواری به آینده ای روشن است که بر مبنای آن روزی مردی الهی خواهد آمد و آنچه مردم به تحقق کامل آن امید بسته اند، بر آورده خواهد نمود. این نگاه می کوشد تا اجتماع علاقمند به خوبی ها و ارزش ها را کمک نماید تا جامعه ای هدف دار و ارزشی در میان آن آشکار گردد زیرا:

الف) توجه به آینده از جایگاه مهمی برخوردار است، چرا که وقتی آینده و مقصد نامعلوم باشد برنامه ریزی و حرکت به سمت هدف و امید به اخذ نتیجه امکان ندارد.

ب) تعیین نقطه مطلوب و مفروض در آینده که اولین گام واقعی در امید به تحقق راهبردها است و ضرورت دارد تا برای رسیدن به رویکردهای مناسب در راهبردهای تحقیقاتی صورت گیرد که بتواند به شناسایی نیازها و وضع موجود انسان معاصر پرداخته و ضمن احصاء ضرورت های ترمیم وضع حاکم و گرایش به مطلوب سازی، نحوه سیر از وضع موجود به وضع مطلوب را شبیه سازی و سناریو پردازی نماید و به مورد اجرا گذارد. (سلیمان، ۱۳۸۴: ۱۵۱)

از این روست که اهمیت توجه به آینده نگاری در حوزه مهدویت می تواند محدوده بسیار وسیعی از جنبه های مختلف زندگی جوامع انسانی را پوشش دهد. به تعبیری دیگر می تواند کارکردهای دامنه و توانمندی پردازی را فراهم و در معرض برنامه ریزی قرار دهد. کارکردهایی همچون:

الف) آماده سازی جامعه در برابر آینده: با استفاده از تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات می توانیم خود و دیگران را برای آینده مجهز و تحقق آن را مدیریت نماییم. در این حالت می توانیم فرصت ها و تهدیدها را شناسایی کرده و در برابر آن یا برای به دست آوردن آنها برنامه ریزی کنیم.

ب) ترسیم و شبیه سازی نمایی کلی از آینده در حال ظهور: با استفاده از آینده نگاری موعود می توانیم بذر تحولات آینده را در زمان حال شناسایی کرده و نسبت به آنچه که در حال ظهور و به وقوع پیوستن است اطلاعات و دانش بیشتری کسب و نقش خود و جامعه را در آن بستر برویاییم.

ج) دریافت و درک زود هنگام هشدارها: علاوه بر شناسایی فرصت ها و تهدیدها، آینده نگاری ما را نسبت به درک زود هنگام این حوادث و مدیریت آن یاری می رساند.

د) اعطاء خودباوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک ولائی فرایند ظهور، به دلیل این که گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده را مورد بررسی قرار می دهد و می توانیم نسبت به آنها اقدامات لازم را مهیا سازیم لذا با قدرت و اعتماد بالایی می توانیم به پیش رویم.

ه) کسب موقعیت برتر و اقتدار آفرین: آینده نگاری در حقیقت تصمیم گیری مربوط به آینده در زمان حال است، یعنی ما درباره مسائل آینده خودمان در زمان حال تصمیم می گیریم و انرژی و موقعیت های برتر آفرین خود را ترسیم می کنیم، لذا دانش و بینشی که از آینده نگاری دریافت می داریم ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می کند. و) ایجاد تعادل فیما بین رخدادها و اهداف: اگر دقایقی را برای تفکر نسبت به آینده در زمان حال صرف کنیم می توانیم از ذهنیت "دلخوشی در حال و به تعویق انداختن نگرانی درباره آینده" رهائی یابیم. در این حالت می توانیم بین اهداف و رخدادهای غیر مترقبه یک رابطه و تعادل سازنده ایجاد کنیم.

ز) کسب اطلاعات نسبت به نیروهای مؤثر و ظرفیت ساز: از مزایای دیگر آینده پژوهی می توان به کسب اطلاعات درباره نیروها و عوامل مؤثر در حوزه مورد هدف اشاره کرد. شناسایی این نیروها و عوامل در توان فهم و درک آینده بسیار ضروری است.

ح) مدیریت و کنترل راهبردی سطح تغییرات: فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در حوزه رخدادها، طراحان را نسبت به تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می کند و آنها را قادر می سازد تا با رعایت قواعد راهبردی برنامه ریزی کنند و خود یا جامعه را در برابر تهدیدات و رخدادها

و امواج معارض آماده گردانند و براساس آن سناریو، مدیریت تغییرات خود را تنظیم و عمل نمایند.

البته در این آینده شناسی، دو مسیر همیشه و پیوسته در تنظیم سناریوها و شبیه سازی شرایط دلالت دارد که نخستین دلالت آن است که آینده امری احتمالی نیست، بلکه درباره آن اراده غیر قابل تغییر و جزمی وجود دارد و دوم، در آینده بر خلاف گذشته، امکان ورود تغییر شرایط بر اساس اراده انسانی فراهم است. به عبارت دیگر می شود آینده را و تغییر و تحولات آن را پیش بینی نموده و بر آن تاثیر گذاشت. به همین دلیل آنانی که آینده را بتوانند در امروز به گونه ای فهم و شبیه سازی کنند می توانند آن را به همان گونه بسازند. این مفهوم به خصوص در زمانی که اراده الهی آن را وعده دهد بسیار مهم و قابل اتکاء است، زیرا اراده او تحقق آن وعده است که انسان ها را موظف به انجام و یا تقاضای آن نموده است که خود فرموده است "ان تنصروا الله ینصرکم و یتبث اقدامکم" (محمد/۷). از این رو بسیار مهم است که ما در فضای آینده چه گونه بازیگرانی خواهیم بود و در چه راستایی قدم بر می داریم. (جزایری ۱۳۸۲: ۴۱)

اگر از ظهور منجی در رویکرد دوم سخن می گوئیم، در واقع آینده فضای احتمالی است که جدای از آن که در انتظار آن هستیم می توانیم در آن نقش و دخالت مثبت داشته باشیم. در این معنا تدخیل در آینده از حیث امکان دخالت مومنین و علاقمندان به تعجیل و یا زمینه سازی ظهور منجی بسیار قوی و البته ضروری است. در این تحقیق که تکیه بر آینده نگری دینی بوده و با انبوهی از روایات صحیح و غیر صحیح در زمینه نشانه‌هایی که در آینده به وقوع می پیوندد و مؤید منجی می باشند، مواجه می شویم، از چراغ راهنمایی کلام و هدایت ولایی به عنوان دلیلی بر صحت استنباطات و اعتبار داده‌های خود بهره‌مند می شویم.

□ هدف تحقیق

هرگز نمی توان بی شناخت امکانات آینده، با آینده‌های ممکن و چگونگی سیر تحول حال به آینده، به ساختن و یا محقق ساختن آینده دلخواه رسید. چنین است که آینده‌ساز با تمسک به آینده‌شناسی گرایش یا سیر حرکت از حال به آینده را دقیقاً تشخیص می‌دهد، آینده مطلوب تحقق‌پذیر را در ذهن انتزاع می‌کند و راه رسیدن از وضعیت موجود به آن آینده مطلوب را دقیقاً بررسی و تعیین می‌کند و از طریق به‌کارگیری همه عوامل لازم برای تحقق آن آینده

می‌کوشد. بر اساس این مفروض هدف از این تحقیق را "تبیین و شناخت راهبرد آینده ساز شرایط مطلوب ظهور حجت زمان ولی عصر(ارواحنافده)" قرار داده‌ایم تا با کمک در طراحی جامعه مهدوی در آینده ای قابل پیش بینی، یاریگر ظهور، براساس وعده و سنت الهی باشیم تا بتوانیم ایفای نقش و اراده انسان‌های مومن و جامعه خدوم را تحت لوای ولایت او و فقیهان برگزیده‌اش فراهم سازیم.

□ سؤال تحقیق

اصول اساسی در آینده نگاری شرایط ظهور و تحقق دکترین مهدویت چیست و چگونه می‌توان امکان تاثیر گذاری خلاق را در شرایط ظهور حضرت حجت (ع) فراهم آورد؟

□ فرضیه تحقیق

ترسیم شرایط مبتنی بر ظهور می‌تواند در قالب آینده نگاری دینی امکان تحقق دکترین مهدویت را فراهم و تدوین راهبردهای قابل پی گیری و تحقق را تضمین و تسریع نماید.

□ روش تحقیق

روش این تحقیق هم چون دیگر روش های آینده پژوهی روش تجویزی و هنجاری است. در این روش، بیشتر تمرکز بر روی شرایطی است که آینده "باید" حاوی آن باشد. یعنی با توجه به ارزش ها و ترجیحات فردی یا نهادی می توان تصویر یا تصویرهایی از آینده مطلوب را به دست آورد و سپس با برنامه ریزی گام به گام، رسیدن به آن آینده مطلوب را کشف و مورد بررسی قرار داد. (تافلز: ۱۳۵: ۱۴۹)

البته آینده پژوهان و متخصصان دینی بر چندین اصل در این روش توافق و اجماع کلی دارند که تفسیر موضوعی آیات و روایات در کشف هنجارها و تجویزات آینده نگرانه دینی از جمله آن است. محقق با مطالعه و جست و جو در قرآن کریم، منابع روایی، عقل و اجماع برای تبیین و پاسخ یابی، در قالب روش "تفسیر جامع" به نهایی سازی موضوع مهدویت و آینده موعود می پردازد.

□ روش تدوین راهبرد

در این تحقیق از اصول حاکم بر مکتب شناختی و انسان شناسی مورد تایید این مکتب بهره گرفته شده تا محقق به آنچه که فرآیند و نتیجه آن در قلمرو شناخت بشر در قالب راهبردی معنا می دهد، دست یابد.

نظریه پردازان این مکتب راه های تحقق شناخت محیط را برای تدوین راهبرد، از طریق قالب های تفاوت برانگیز تشریح نموده و وجه اشتراک تمامی آنها را بررسی و سپس در قالب اقتضانات محیط و تأکید بر آینده جهان محوری و معرفت مداری، نتایج مورد نظر خود را دنبال می کنند.

□ روش و ابزار گرد آوری اطلاعات

در این پژوهش، به تناسب موضوع، از روش کتابخانه ای و مصاحبه خبرگی استفاده می شود، که با بهره گیری از منابع مختلف قرآنی و تفاسیر، مجلات تخصصی، کتب و آثار دانشمندان و صاحب نظران، به انجام تحقیق مبادرت می گردد. در موضوع مصاحبه نیز جمعی از اساتید و اندیشمندان راهبردی در دانشگاه عالی دفاع ملی و نیز رؤسا و مسئولان پژوهشگاه های مهدویت خصوصاً اعضا هیأت علمی موسسات علمی پژوهشی مهدویت و آینده نگر در زمره افراد خبره مورد مراجعه قرار گرفتند.

□ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحقیق حاضر، پژوهشی است که در تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش «مجموعه نگر» و «الهی» به تحلیل روندها پرداخته و با استفاده از فنون آینده نگاری، روندها را شفاف و قاعده بندی می نماید. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ۱۸)

در این روش، «تمامی مفاهیم کلیدی تحقیق متأثر از مبانی الهی و اسلامی مورد آینده نگاری دینی قرار گرفته است و فرضیه تحقیق که اساس و بنیان این تحقیق را سرپرستی می کند در فضایی الهی و اسلامی مورد آزمون کیفی قرار داده می شود.

□ ادبیات تحقیق

گروه ها و افراد گوناگونی به قصد پیش بینی آینده، آماده شدن برای آن و تاثیرگذاری بر رویدادهای آن، یافتن راه ها و ابزارهای گوناگون برخوردار با انواع آینده های قابل تصور و به منظور کمک به اتخاذ سریع ایستار مناسب در برابر تغییرات اساسی در جامعه ای با صنایع پیچیده و ارتباط تنگاتنگ میان اجزا، به آینده پژوهی پرداخته اند تا با درک روابط موجود میان اجزای نظام های پیچیده اجتماعی از یک سو و روابط موجود از سوی دیگر، قدرت پیش بینی و تصحیح موضع در برابر آینده را پدید آورند.

آینده‌پردازی های گوناگون را از پایان دوران اسطوره‌ای و آغاز دوران فلسفی می‌توان به سه گروه عمده بخش کرد:

۱- آینده‌پردازی آرمانشهر: بی‌گمان تحلیل وضعیت آرمان شهر در طراحی آینده زیبای آرمانی، در چهارچوب عدالت‌خواهی و نفی جلوه‌های گوناگون مسخ و هویت‌زدایی آدمی، نوشته شده و تأثیری عظیم بر نگرش همه کسانی که دغدغه آینده را دارند، برجای گذاشته‌اند. (کار، ۱۳۵۳: ۱۹۵)

۲- ترسیم خط سیر تمدن آینده جهان بر پایه تحلیل های سیاسی خاص: با تحولات اخیر در سطح جهانی گوناگون، بی‌گمان مکاتب فراوانی ناگزیر هستند تا برای جلوگیری از ساده باوری و یا افراطی‌گری خویش چاره‌ای بیابند.

۳- تحلیل آینده جهان بر پایه داده‌های پیش‌گویانه صنعتی و فن‌سالارانه: تافلر با انتشار کتاب موج سوم (۱۳۵۹/۱۹۸۰) بیش از پیش و در ابعادی بی‌سابقه، توجه جهان را به این رویکرد جلب کرد. او با انتشار آثاری چون (ورق های آینده)، (جابه جایی در قدرت)، (جنگ و ضد جنگ) و (آفرینش تمدنی جدید: سیاست در موج سوم) در رأس آینده‌پژوهان و آینده‌شناسان معاصر غرب جای گرفت و توجه بین‌المللی را به این رویکرد معطوف کرد. (آنورلیو، ۱۳۷۴۸: ۵۷)

□ گامها و توجهات آرمان شهر در آینده نگری اسلامی

تحقق عدالت، مقابله با حکومت ستم‌گران و نامشروع دانستن هم‌کاری و هم‌راهی با آنها، از محورهای اساسی گفتمان آرمان شهر دینی در اسلام است. بر همین اساس، معتقدان به مهدویت در عصر انتظار سعی می‌کنند در راه اجرای عدل و قسط در جامعه و مبارزه با ظلم و بیداد قدم برداشته و از این طریق جامعه را برای ظهور بزرگ پرچم‌دار عدالت مهیا سازند. متجاوز از ۲۵۰ آیه در قرآن، ظلم، پذیرش و تحمل ظلم و سازش و ارتباط با ظالمان را تبییح و محکوم کرده است؛ چنان‌که بسیاری از بلاها و مشکلات و تلخی‌های جامعه را از آثار شوم ظلم معرفی می‌کند. انتظار و اعتقاد به مهدویت درفش بنیادگر مقاومت و نمایش اقتدار در برابر ستم است. بر همین اساس، در قاموس مکتب منتظران واقعی، سازش و تسلیم در برابر حاکمیت ظالمان و طواغیت جایی نداشته و هم‌راهی و هم‌نوایی با مفسدان و ستم‌گران و سکوت در برابر مظالم و مفاسد، بسیار مذموم شمرده می‌شود. منتظر حقیقی با تکیه بر وعده

حق الهی، در مسیر رفع ظلم و مبارزه با حاکمیت مستکبران مقاومت می‌نماید و نوید فتح نهایی مستضعف بر مستکبر را با قیام و مبارزه خود به اثبات می‌رساند. (مجتهدی، ۱۳۸۲: ۷۹)

با وجود دیدگاه‌ها و تبیین‌های گوناگون در خصوص آینده‌نگری و آینده‌شناسی ظهور، در دین مبین اسلام علاقه به آینده، متن مشترک همه چهره ظهور را تشکیل داده است. زیرا آدمی همواره به دنبال یافتن روش‌های نظام‌مند و قانونمند برای پیش‌بینی تحولات آینده، به ویژه ارتباط با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بوده که این خود برپیش فرض حاکم نمودن نظم ویژه در سیر رویدادها استوار بوده است.

امروز نیز در همه علوم "پیش‌بینی"، بخشی از ثمرات شناخت است گزاره‌های علمی، پیش‌بینی را در خود نهفته دارند. اما پیش‌بینی تنها در حالتی می‌تواند معنی داشته باشد که اول، روابط علت و معلولی میان حال و آینده را برقرار سازد و وضع موجود را کاملاً بشناسد و سپس چگونگی فرایند تحول حال به آینده را دقیقاً ترسیم کند تا در پناه آن بتواند از وضع کنونی، وضع آتی را استنتاج کند. با فرض تحقق این شرایط منتظران و آینده پژوهان نمی‌توانند در برابر آینده منفعل باشند. بلکه باید بر آن شونند تا بتوانند آینده را شکل دهند یعنی آنکه به دنبال واقعیت‌بخشیدن آینده‌ای باشند که انتظار آن بنا شده تا از سیر عادی وضعیت کنونی نتیجه‌ای مورد رضایت حاصل شود. به دنبال این اصل، وضع موجود را کاملاً شناسایی کنند تا نقش انسان‌های منتظر به عنوان عواملی آگاه و برخوردار از هر گونه اختیار مشخص گردد و آنگاه امکان اعمال اختیار آگاهانه و هدایت منتظران در حرکت از حال به سوی آینده‌ای مطلوب، بر بستر روابط علت و معلولی فراهم شود و قابلیت مدیریت ارتقاء یابد. در این رویکرد است که می‌توان ادعان داشت که تغییر جهان بی‌تعبیر آن معنی ندارد و باید تعاریف و شرایط مورد انتظار خود را از جهان مشخص کنیم متعاقب آن و در پیاده‌سازی آن تلاش نماییم. (مطهری ۱۳۶۲: ۷۲)

ترسیم و تدوین اهداف و شرایطی لازم است تا بتواند جامعه منتظر منجی موعود را شبیه سازی نموده و بستر و زمینه‌ای فعال و خلاق را در راستای پی‌گیری اهداف و منویات حضرت آقا و فقهاء برگزیده ایشان به عنوان چراغ و راهنما و براساس وظیفه‌ای که عهده دار شده‌اند پیش‌تاز این هدایت نماید تا بتوانند شرایط ظهور را دنبال کرده و مطلوبیت بخشند.

امام باقر(ع) در بیان آیات و نشانه ظهور در آینده به تفسیر آیه (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدُّنْيَا كُلِّهِ) (توبه/۳۳) پرداخته و فرموده‌اند:

یکون أن لایبقی أحد إلا أقرّ بعلمه.

[در زمان ظهور حضرت مهدی (ع)] هیچ کسی باقی نمی ماند، مگر این که به علم او اقرار و اعتراف می کند و در فرازی دیگر نیز در تفسیر آیه (وَ لَهُ أَسْمَاءٌ) (آل عمران / ۸۳) می فرمایند :
إذا قام المهدي لایبقی أرض إلا نودی فیها شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله. (مرکز المصطفی: ۱۸)

هنگامی که قائم قیام می کند، سرزمینی باقی نمی ماند، مگر این که در آن، ندای شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر به گوش برسد.

در موضوع ظهور حضرت و کسب علم و معرفت لازم در شناخت ایشان و یاری در نیل حضرت به هدف نیز تأکید و تصریحات فراوانی صورت گرفته است به گونه ای که در تشخیص و دقت نظر در عملکرد ایشان، کسب فهم و دانش و اصول و قواعد شناخت و داوری بسیار مهم است اگر بسط عدالت را مورد توجه قرار دهیم.

حضرت امیر علی (ع) درک درست از عدل و حق را نیازمند به اندیشه و تعمق دانسته و می فرمایند:

والعدل علی اربع شعب: علی غائص الفهم و غور العلم و زهره الحکم و رسافه الحلم ...
(نهج البلاغه / حکمت ۳۱)

عدل بر چهار شعبه استوار است: فهمی ژرف نگر، دانشی عمیق، داوری نیکو و بردباری استوار. پس آن که فهمید به ژرفای دانش رسیده و از آبخور قانون های شریعت سیراب می گردد.

امام عارفان حضرت امام خمینی (ره) در مورد این وظیفه در نزد منتظران می فرمایند:
چه بهتر که عمر کوتاه را در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف کنیم تا در پیشگاه مقدس حق تبارک و تعالی سرافراز و در سلک خدمت گزاران در آییم... اگر انسان به وظیفه الهیه موفق شود، نتیجه حاصل است، چه به نتیجه منظوره برسد یا نه... تأکید برخی روایات نیز نیکی و شایستگی مؤمنان را در خدمت به دیگران تا زمان ظهور امام عصر (عج) می شمارد. پس باید وظیفه خود را انجام دهیم و به نتیجه کار نیندیشیم که در هر صورت نیکی است.
(صحیفه نور، ج ۲۲: ۷۱)

۱- تکیه بر امید پروری در جامعه دینی

چند خصوصیت در عقیده مهدویت هست، که برای هر ملتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. که مهمترین آن امید است. گاهی اوقات دست های قلدر و

قدرتمند، ملت های ضعیف را به جایی می رسانند که امیدشان را از دست می دهند. وقتی امید را از دست دادند دیگر هیچ اقدامی نمی کنند، اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدس مهدی موعود (ع)، امید را در دل ها زنده می کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی شود. زیرا می داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد، لذا سعی می کند که خودش را به آن برساند. (آیت... خامنه‌ای، آذر ۱۳۷۶)

۲- توسعه جامعه پذیری مهدی باور:

امروز تکلیف بر آماده سازی زمینه ظهور است، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام بکند. جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد، و آلا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ می شود. (آیت... خامنه ای، آذر ۱۳۷۹)

۳- توسعه صلاح و شایستگی های خلاق

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است، همه انبیاء و اولیاء علیهم السلام برانگیخته شده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد راه صلاح را از فساد باز یابد و همه این تلاش‌ها بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح بر فساد می باشد، لذا در تحقق و تسریع در شکل گیری این شرایط و زمینه های آن نیز در آینده باید توجه نمود، تاکیدی که یک نقطه مهم از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست. (آیت... خامنه ای، آذر ۱۳۷۹)

۴- توسعه زمینه های ظهور معرفت خلاق

امروز ذهنیت بشر، از این زمینه باید برخوردار باشد که بفهمد. بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد تا جهان بشریت را پر از عدل و داد سازد و او را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات دهد. این همان چیزی است که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده اند و پیغمبر اسلام (ص) در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است «و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم» (اعراف / ۱۵۷) دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی و متصل به عالم های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسان های کوتاه نگر قابل درک و تشخیص نیست می تواند آینده بشریت را رقم زند و آرزوی او را بر آورده کند، دنیای آینده دنیایی سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت است که در دوران ظهور امام زمان علیه السلام شکل می گیرد، لذا آماده سازی زمینه و شرایط بسط و شکل گیری معرفت، عدالت و مهرورزی

بسیار کلیدی است که نهایت و تکامل این مفاهیم و کارکردهای آن در زندگی حقیقی انسان، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان می‌باشد که خدا می‌داند بشر در آن جا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. (آیت... خامنه‌ای، فروردین ۱۳۷۹)

۵- توسعه آموزه‌های مهدی باور:

درسهای عمیقی را می‌توان در دکترین مهدویت دنبال نمود که در رفتار و عمل جوامع یک آموزش و تعلم کلیدی به حساب آید و پیشرفت جامعه اسلامی را به سمت کمال روانتر و سریعتر خواهد نمود. اساسی‌ترین درس از این آموزه‌ها فهم این نکته است که همه مخاطبان باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح و شایستگی و عدالت باید شکل بگیرد تا سمت و آفاق آن روشن گردد.

باید لشکری از حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد فراهم آورده و افزایش داد تا این دکترین جامعه عمل به خود بگیرد. باید آینده‌ای را دنبال نمود که همه آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه چشیده و حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی را در زمین دنبال نمایند که همه آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت محقق ببینند. آموزه‌های مهدویت باید از این ظرفیت برخوردار باشند که مخاطبان، این قاعده را محقق نمایند که هر چه زورگویان و زوراندوزان و زورمداران عالم تلاش کنند، نخواهند توانست این حرکت را متوقف کنند. (آیت... خامنه‌ای، آبان ۱۳۷۹)

۶- نهادینه سازی شعارهای مهدویت در عملکردهای راهبردی

بسیار سعی و تلاش وافر شده است تا شعار توحید، معنویت و دینداری در دنیا منسوخ گردد و به طور کلی به دست فراموشی سپرده شود، اما باید، این شعار رویکرد رسمی حکومت‌های اسلامی و اداره کشور و آحاد ملت مسلمان باشد، شعاری که آرزوی تمامی ملت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیا است و یک روز تحقق پیدا خواهد کرد و جهان را غافلگیر خواهد کرد. خدمت به آن مولا و رهبری است که خواهد آمد و باید همه ظرفیت‌های توسعه یافته ملت‌های مسلمان در اختیار او قرار گیرد. (آیت... خامنه‌ای، تیر ۱۳۸۶)

۷- تمهید آینده پژوهانه در نزدیک سازی زمان ظهور

باید انسان‌ها با افزایش صلاح، شایستگی، خدمتگزاری صادقانه، افزایش سطح دانش و نوآوری و اخلاق و رفتار خداپسندانه در کسب صلاحیت‌های معرفتی خود تلاش کنند، تا

امکان ظهور نزدیکتر گردد، این شرایط و تسریع در تحقق و ظهور آن در دست انسان ها است. اگر انسان ها خود را به صلاح نزدیک کنند، آن روز نزدیک خواهد شد.

انقلاب اسلامی و فداکاری‌هایی که در راه دین و انقلاب و نسلی که این کار را سامان دادند با فداکاری های خود آینده ظهور را نزدیکتر کرده و قالب و الگوی اساسی در عصر خود برای انجام تکلیف در دوران انتظار شدند و لیکن امروز جوانانی که در آغاز زندگی و تلاش خود هستند، باید سعی کنند تا در ادامه انقلاب اسلامی زمینه را برای آن چنان دورانی آماده تر نمایند، دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد، دورانی که در آن، اندیشه و علم در جهان اسلام همیشه فعالتر و خلاقتر و آفریننده تر از دیگر دوران است، دورانی که قدرت و اقتدار اسلامی مانع از آن می‌شود که دست های جنگ افروز بتوانند جنگی به راه بیندازند.

ظهور این عقیده‌ها همان گونه که در روایات تحت عنوان «والله لثمحصن» و «والله لتغریبن» آمده است، (نعمانی، الغیبه: ۲۱۳) نیازمند پذیرش امتحان شدید و پذیرش فشار در کسب معرفت، علم، خلاقیت، اقتدار و عدالت و مهرورزی است. نیازمند مجاهدت و تلاش است. باید دانست که آینده متعلق به انسان های تلاشگر عالم، خلاق صبور و صالح است. آینده ای که قبل از تحقق آن و ظهور مهدی موعود، انسانهای پاک در میدان های مجاهدت امتحان می شوند. (آیت ... خامنه ای، بهمن ۱۳۷۰)

۸- دشمن شناسی کلید هوشمندی در جبهه انتظار

مشاهده عملکرد سیاستگذاران و طراحان برنامه های استکباری نشان گر آن است که مهمترین امور مورد تعقیب آنان در آینده جهان اسلام، توسعه و ایجاد فضای یأس آلودی نسبت به اصلاحات و پیشرفت هایی است که باید در کشورهای اسلامی انجام گیرد. تلاش قدرت های استکباری بر این است که ملت های مسلمان از صلاح و قابلیت گرائی خسته و مأیوس شوند، تا حربه تفوق آنها کارگر بیفتد. اگر ملت ها به آینده نقش آفرینی و تحول زائی خود امیدوار و خلاق و پابرجا بمانند و خود باوری و اعتماد به ایفای نقش در آینده را سرلوحه مدیریت عملکرد خود قرار دهند، حربه دشمن دیگر کارگر نیست. آنان سعی می کنند فضای تیره ای را در مقابل آینده این ملت ها و چشم انداز آنان ترسیم کنند؛ فضای تیره ای که به ملت ها القاء می‌کند که نیروی ذاتی، فرهنگ، اعتقادات، شخصیت، هویت ملی و دین آنان، نمی تواند آینده مناسبی را تضمین کند و باید قدرت های بزرگ به آنان کمک کرده تا حرکت

فعال و خلاقیتی داشته باشند. در حالی که نقطه مقابل این عملکرد، تفکر انتظار است که بر محیط اسلامی و جامعه پیروان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) حاکم است. حرکت به سمت وجهتی که دل سرشار از امید را به این حقیقت و مسیر رهنمون می‌گرداند که پایان مطلوب و راه برگزیده زندگی بشر و توجه به انتظار در ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) قالب دهی و معنا یابد و بر همان اساس زمینه شناخت در آینده فراهم و خلاقیت و هوشمندی راهبردی منتظران در این راستا هدایت و به نقطه ظهور برسد.

زمینه‌ی ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) در قالب عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام پدیدار می‌شود، لذا برای حاکمیت اسلام باید کوشش کرد همان گونه که ملت بزرگ ایران این قدم را یکبار با انقلاب اسلامی در برابر زورگویان مستکبر برداشتند. (آیت... خامنه‌ای، بهمن ۱۳۷۰)

۹- توسعه قدرت و اقتدار نظام‌های اسلامی

برجسته‌ترین نکته در دکترین مهدویت، رشد و توسعه عدالت محوری در جامعه است. در خصوصیات برجسته امام زمان (ارواحنا فداه) نیز این گونه فهم می‌گردد که «الذی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملأت ظلما و جورا». (بحرانی، ج ۷: ۱۰۵) انتظار واقعی برای این است که او همه عالم را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. بنابراین انتظاری که باید از منتظران مهدی موعود داشت، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است. اما عدالتی که جهان در انتظار آن هست با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود.

استقرار عدالت احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی‌شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. (آیت... خامنه‌ای، مهر ۱۳۸۱)

۱۰- توسعه و تداوم روشنگری و آگاه‌بخشی انسان ساز

انتظاری که از آن سخن گفته می‌شود به معنای آن است که باید خود را برای سربازی امام زمان در همه عرصه‌ها و اعصار آماده کنیم. خدمتگزاری و فداکاری برای منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. باید چشم انداز آینده مملو از انسان‌هایی باشد که از لحاظ علمی و فکری و

عملی خود را آماده سازند تا در میدان های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشند. انسان های عالم و خدمتگزار به اهداف و آرمان های اسلامی و منتظرانی که بتوانند خود را از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، آماده کنند.

کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزش ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، اوست که می تواند پشت سر آن حضرت در میدان های خطر قدم گذارد. اما کسانی که حاضر نیستند هیچ حرکتی را که مطامع آنها را به خطر می اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می توانند منتظر امام زمان به حساب بیایند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه های شایستگی و صلاح را آماده کند و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد. (آیت ... خامنه ای، مهر ۱۳۸۱)

۱۱- تکمیل حلقه های مردم سالاری دینی

حکومت آینده حضرت مهدی موعود (ارواحنا فداه) یک حکومت مردمی و متکی به ایمان ها و اراده ها و بازوان مردم است. امام زمان (ارواحنا فداه)، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی کند؛ بلکه به مردمی تکیه می کند که در بنای عدل الهی در سرتاسر عالم و استقرار آن، او را یاری می رسانند، لذا یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت های مدعی دموکراسی در دنیای امروز تفاوت فراوانی دارد. مردم سالاری امام زمان، مردم سالاری دینی است و با روش دموکراسی امروزی به کلی متفاوت است. (آیت ... خامنه ای، مهر ۱۳۸۱)

۱۲- پیوند دکترین ظهور با ولایت فقیه

امامت و ولایت در اعتقاد شیعه جوهره قدرت سیاسی در دولت اسلامی است. از این رو، هویت سیاسی مذهب شیعه با اعتقاد به حضور و یا نظارت عام و وجود امام شناخته می شود. غیبت امام در عینیت جامعه، حیات سیاسی شیعه را در فرآیند پرپیچ و خمی از زیست منتظرانه قرار داده است. بر مبنای این اصول اعتقادی، مهدویت استمرار خط امامت محسوب می شود و در این فرآیند طولانی عصر غیبت که عالم از ظهور نواب عام آن حضرت بی بهره نیست و رسالت حفظ مکتب و هدایت امت و مسئولیت جامعه اسلامی و سامان بخشی سیاسی در این

قالب تداوم می‌یابد، این وظیفه برعهده فقهای است که براساس حجت امام زمان (عج) بر مردم معرفی شده‌اند.

۱۳- نقش محوری روحانیت در قاعده مندی ظهور

اصل ولایت فقیه باعث شده که نقش روحانیت در این قاعده جلوه خاصی بیابد و مراجع، علما و روحانیون از اعتبار خاصی میان جامعه منتظر و خدمت گزار بهره‌مند باشند. نقش و جایگاهی که روحانیت در ارکان مختلف جامعه دینی و در این راستا در کشور جمهوری اسلامی بر عهده گرفته و ایفای مسئولیت نموده است، در هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های سیاسی در میان ملل مسلمان سابقه ندارد. آنان در این قالب دو نقش مهم در جامعه اسلامی ایفا می‌نمایند:

الف- ارتباط عالمانه میان ولی فقیه و پیروان مردمسالاری دینی در جهان اسلام با محافظت و صیانت از ماهیت اسلامی مردمسالاری و کارکردهای آن در انطباق با دین مبین اسلام.

ب - تبلیغ شجاعانه و مدبرانه منجی باوری میان ادیان موحد و توحید مدار در راستای یکپارچگی ملت‌های معتقد به خداوند واحد و منجی موعود.

منجی پژوهی موضوعی در مقوله آینده شناسی است که محققان بر این باورند که قواعد آن به تدریج از پدیده‌هایی همچون جهانی شدن، رویکردهای آرمانگرایانه، آغاز شده و به تدریج خود را در قالب یک آینده شناسی دینی ظهور یک منجی قدرتمند در آخرالزمان نشان خواهد داد و عمده اندیشمندان بر این باورند که وقتی از منجی پژوهی و آینده شناسی آن سخن می‌گویند به ناچار باید سه نگاه مختلف به آن را مورد کنکاش قرار دهند:

نوع اول - کسانی که به آینده نگاه شهودی دارند و بیشتر بر باورها و خلاقیت خود تکیه می‌کنند و لذا بر همین اساس و یا با تکیه بر منابع و نگاه آرمانی خود پیش بینی‌های روشنی ارائه می‌دهند. برخی از اندیشمندان علت تحقق پیش بینی این لایه را بیشتر اختصاص به توانمندی و روان شناسی شخصیتی آینده شناسان داده و برخی دیگر به وجود معرفت و دانشی بر گرفته از محیط، تاریخ، روندها و برداشت داهیان آنان از رخدادهای آینده به همراه ویژگی‌های خاص در این افراد در جامعه می‌دهند.

نوع دوم - کسانی که به آینده مبتنی بر وعده‌های الهی و تکیه بر ویژگی و انتصاب افرادی که خداوند آنها را واجد درک شرایط می‌دانند، می‌نگرند. در نگرش آینده پژوهی این

محققان، آینده‌شناسی را به طور سنتی در وحی و روایات و اندیشه فقها جستجو کرده و آینده‌شناسی را خاص مرور تاریخی و تجربه اجتماعی در گذشته و حال می‌دانند.

نوع سوم - آینده‌شناسی که امروز به حدس‌های علمی معروف می‌باشد، محدود به درک مبانی و اخذ نتایجی از آن معلوم منتهی می‌شود. یکی از بنیادی‌ترین فرض‌های آینده‌شناسی علمی، قبول پیوستگی تقریبی رویدادها است. بدین‌سان که دامنه حوادث جهان را قاعده مند و یکپارچه فرض نموده و معنایش این است که آینده از همان قواعدی پیروی می‌کند که شرایط وقوع آن کمابیش در حال و گذشته وجود داشته و به هیچ وجه از تحول، تغییر و نوآوری تأثیر نمی‌گیرد و آینده چیزی جز تکرار گذشته و لیکن در قالب و نمادی دیگر نیست.

سنت آگوستین بنیان‌گذار این تفکر می‌گوید: زمان یک چیز ذهنی است. از رابطه من سوژه تحلیل‌گر با هستی یا هستنده‌های طبیعی یا اجتماعی پدید می‌آید. یعنی من هستم که می‌گویم گذشته این پدیده، حال این پدیده و آینده این پدیده چیست و لذا این فرض پذیرفتنی است که حوادث، انقطاع بنیادی ندارند و کم و بیش روندی پیوسته به خود می‌گیرد که این روند عبارتست از: احصاء و تفسیر گذشته یک شیء و سپس پیش‌بینی آینده این شیء بر حسب تفسیر و توصیفی که از کارکرد آن در گذشته و حال تجربه شده است. (ریموند، ۱۳۵۰: ۴۷)

یعنی بروز اتفاقات جدید را او معتقد است که رخدادهایی از گذشته است که به گونه‌ای دیگر رخ می‌نماید، به همین دلیل می‌توان دسته‌بندی دیگری ارائه داد که در نظریه پردازی‌ها، آینده‌نگر آن را به دو گونه تحلیل می‌نمایند.

تحلیلی که آینده را مجموعه‌ای از احتمالات برمی‌شمارد که سناریوهای هم‌نشین یا امکان‌جایگزین راه‌حلی از گذشته در آن وجود دارد و دوم آن که، آینده امکان‌ظهور یک احتمال و یا بروز احتمالات متعدد است که باید بتوان با تکیه بر اصول و توانمندی‌های بر خاسته از امکان و غایت حاکم بر شرایط و قابلیت‌های مدیریت تحولات، تحقق آنها را در قالب یک دامنه، شناسایی نمود. در این رویکرد نیز برای آینده پژوهی دو گام توصیه می‌شود.

گام اول: استقبال از آینده

بخشی از روند عمومی برای آینده‌شناسی است که از درون دو نگاه حاصل شده است. اول پروژه تاریخی‌گری که آینده‌محتومی را فرض کرده و وظیفه محقق را برای رسیدن به آن آینده یا شناساندن وضعیت جوامع در نقطه‌ای از تحولات تاریخی می‌داند.

دومین نوع آینده شناسی بر اساس سوژه، مبتنی بوده و بر خلاقیت انسان در گذر زمان متکی است. این آینده شناسی احساس می کند انسان ها برای خود دنیایی خلق می کنند و این دنیای مخلوق انسانی، سرنوشتی جدید را برای انسان رقم می زند.

گام دوم: مبانی آینده شناسی

هرگونه آینده نگری نیازمند آینده شناسی است و آینده شناسی، با اتکاء بر پیش فرض هایی در خصوص وجود گونه ای ارتباط و توالی میان رویدادها است که خود، نیازمند آینده پژوهی است. آینده شناس بر آن است تا وضعیت آینده را که می تواند یک نظام کوچک یا بزرگ اجتماعی یا طبیعی محسوب شود بشناسد. او در آینده شناسی، آگاهانه یا نا آگاهانه، از نگرش خاصی درباره چگونگی و پیوند رویدادها برخوردار است.

□ تجزیه و تحلیل

بسیاری اندیشمندان و آینده پژوهان در بیان ضرورت و ترسیم مقصد و ماوای مطلوب تردیدی ندارند که هیچ گاه نمی توان مردمان را به سوی مقصدی برد، اما هیچ گونه تصویر و ترسیم روشنی از آن مقصد ترسیم نکرد؟

عوامل مشروعیت ساز و دوام بخش راهبرد، کارکردهای مکتب شناختی در تدوین راهبرد بر اساس آنچه که در ادبیات تحقیق به عنوان ضرورتها و آرمان های تاریخی و فلسفی از ظهور آمد، ایجاب می نماید که پنج قالب شناختی را در تدوین راهبرد بر عوامل مورد تأکید در ادبیات تحقیق تعمیم داده و به تحلیل کیفی و جامع مباحث پرداخته شود.

در پیش فرض های مکتب شناختی برای تجزیه و تحلیل داده های آینده پژوهی و تدوین راهبرد نیاز به یک فرایند معرفتی است که در ذهن رهبران راهبردی شکل می گیرد و خود را به صورت استراتژی، شکل، سیاست، نقشه، طرح، برنامه و چارچوب ظاهر می کند و تعیین کننده آن است که افراد چه گونه از منابع و محیط در راستای آرمان های قابل تحقق استفاده می کنند.

این ورودی ها صرفاً تفاسیری شهودی از جهان هستند و بر حسب این که چه گونه وجود آن تفاسیر قابل عینیت پردازی باشند، تعریف می گردند. به عبارت دیگر با این مکتب، می توان قالب آرمان ها، انتظارات و واقعیت های جهان مشاهده شده آن را به شکل مدل راهبردی در آورد و سپس چارچوب بندی نموده و آن را بنا نهاد. (والش، ۱۳۶۳: ۱۹)

بر اساس آنچه که بیان شد نگاه آینده پژوهانه در دکترین مهدویت نیز می تواند در قالب "مکتب راهبردی شناخت" کاربردهای خود را به شرح ذیل تعریف نماید:

نقشه راه :

- ۱- دکترین مهدویت باید رویکردی جدی و مقتدرانه به پیاده سازی کارکردهای خود در آینده داشته باشد.
- ۲- مهدی باوری بایست ریشه در ایمان و ما فی الضمیر عموم مردم و جوانان پیدا کند.
- ۳- آموزه های راهبردی مهدویت بایست از خاصیت فرهنگ سازی برخوردار باشد.
- ۴- اهداف مبتنی بر آمادگی ظهور بایست برانگیزاننده و شور آفرین باشد.
- ۵- راهبردهای پیاده ساز باید هماهنگ گرا و اشتراک ساز بوده و از تفرقه و اختلاف در ادیان موحد و منجی باور پرهیز نمایند.
- ۶- ریشه دلبستگی و تجارب تاریخی شیعیان و تجارب موفق انقلاب اسلامی در الگو پردازی و الهام بخشی دکترین مد نظر قرار گیرد.
- ۷- الگو و نمونه منجی باوری، به صورت شفاف تبلیغ و نماد سازی گردد.
- ۸- دکترین و راهبردهای مهدویت بر اساس رهنمودها و هدایت های نائب ولی عصر و ولی فقیه زمان، جامعیت و مشروعیت یابد.
- ۹- از تراخ و تداخل نظری حوزه های فرهنگی شیعی در دو موضوع انتظار و مهدویت جلوگیری شود.
- ۱۰- سائق و ذائق منتظران و منجی باوران دستگاه های ارتباط رسانه ای و عمومی در راستای الگو پذیری و گرایش فرهنگی و آینده پژوهانه به اهداف مهدویت تمرکز یابد.
- ۱۱- آگاهی و ارتقاء سطح آمادگی و کنش مثبت در نسل جوان در راستای مهدی باوری در اولویت واقع شود.
- ۱۲- کارگزاران سیاسی - اجتماعی کارکردهای مهدی باوری را مبنای تنظیم عملکرد و تولید قدرت ملی قرار دهند.

چارچوب راهبرد

۱- اصل قرار دادن خدمتگزاری در عصر غیبت:

خیلی فرق می کند، این که انسان یک کار مفیدی را در یک گوشه ای برای خود انجام بدهد و یا به جهت اهمیتی که کشور و ملت در سرنوشت دنیای اسلام دارد و مجموعه کارگزاران

نظام اسلامی در آن مسئول هستند، برای دولت اسلامی دنبال نمایند، لذا باید زمان حاضر قدر دانسته شود، زیرا این فرصت همیشه در دست نمی‌ماند؛ فرصت مغتنمی که نیازمند کارهای بزرگی است و خداوند این امکان و توفیق را به افرادی می‌دهد که خدمتگزار مردم باشند. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

باید بیدار بود، زیرا برخی از این فرصت‌ها برای خدمت، استفاده می‌کنند و برخی برای، تأمین آینده خود و آباد کردن زندگی، که در این دوران این عملکرد خطاست. این همان نهی است که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) به مالک اشتر تأکید کرده و فرمود: این مسئولیتی که به تو سپرده شده را طعمه ندان؛ این یک طعمه نیست که بر آن بیفتی و خود، شکمت و زندگی‌ات را بخواهی با این کار رنگین کنی، بلکه، این یک فرصت ارزشمندی است برای این که خدمت و کار نموده و آن را برای خود ذخیره آخرت نمایم.

در خدمتگزاری به حضرت مهدی (ع) که حیات و اصالت انقلاب و حکومت اسلامی از آن اوست، این یک فرصت و ودیعه بر منتظران واقعی نیز هست. زیرا جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، همه از اعتقاد به مهدویت نشأت گرفته‌اند و امروزه در ایران باید این یک مسأله حیاتی و اقتدارزا محسوب شود. (فیروزآبادی، اسفند ۱۳۸۶)

۲- تداوم و اتصال انقلاب اسلامی به قیام مهدی موعود

در طول بعضی از سال‌های گذشته تصور برخی این بود که شعارهای اصلی انقلاب، سربلندی اسلام، مسأله عدالت، مسأله مبارزه با استکبار، تلاش و مجاهدت برای رفع استضعاف از مستضعفان، دیگر تمام شده است، ولی معلوم شد که آنها اشتباه می‌کردند. منتظران مهدی باید با هم مهربان بوده و رعایت حقوق هم دیگر را بنمایند، در گرفتاری‌ها به داد هم رسیده و فریادرسی کنند. این فرهنگ؛ فرهنگی است که در همه ادیان به نام موعود، ارائه شدنی است و اینها گام‌های بزرگی است که در راه زمینه‌سازی ظهور برداشته می‌شود و مانعی هم ندارد. امروز باید نگاه راهبردی به مسأله مهدویت، تکیه بر منجی باوری در تمامی ادیان موحد و تقویت اشتراکات باشد. باید معتقدان به ظهور منجی را در آماده‌سازی اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و دفاعی یاری نمائیم و نباید مهدویت را به تفکر شیعی محدود و اختصاصی نمائیم. (فیروزآبادی، اسفند ۱۳۸۶)

باید این دقت فراگیر گردد که نکته مهم و راهبردی انتظاری سازنده برای منجی مصلح عدالت‌گستر است که سیاست اصلی، خود آینده‌سازی است. این راهبرد الهی است و پیروان

ادیان هم این راهبرد را فهم کرده اند. اما این انتظار چگونه تحقق می‌یابد و تقابل با او بر چه اساسی شکل گرفته و مدیریت شود. باید همه منتظران موحد در این راه شجاعانه حضور یابند.

۳- خدمتگزاری شجاعانه و ولایت محور

پیگیری شجاعانه و اقتدار آمیز حقانیت منجی باوری در عصر غیبت را نمی‌توان با تردید، با تزلزل، با ترس و لرز عمل نمود بلکه باید کارهای بزرگ را با شجاعت و اقتدار انجام داد. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

این که یک رزمنده یا یک افسر به خط دشمن می‌زند. انسان مادی در این فکر است که به هر قیمت فقط پیروز برگردد، ولی شیعه و مسلمان ارتباط معنوی باحضرت صاحت الزمان علیه السلام بر قرار کرده و توکل به دکتربین پیروزمند سپاه اسلام، معنویت، عشق به خدا و اهل بیت و توکل بر خدا دارد. البته این عشق و توکل، در زمان صلح باید در خدمت تولید علم، تولید حرکت، تولید نهضت و عشق به آموزش آمادگی دفاع بهتر از دین خدا را در فرد منتظر نهادینه کند و این موجب اتحاد و انسجام در لشکر اسلام، تبعیت قوی از فرماندهی در لوای حکم ولایت می‌گردد. در لشکر اسلام تبعیت از فرماندهی تبعیت از ولی فقیه، امام زمان (عج)، رسول خدا و خداست و جنگجویان همواره در رکاب اولیای خدا می‌جنگند. وقتی شهدا را می‌بیند، قدرت می‌گیرد وقتی هم که شهید می‌شوند آنها را در کنار خود می‌بینند.

اگر راهبردها بر اساس فرهنگ مهدویت شکل گیرد، این فرهنگ در سیاست، روابط بین-الملل، اقتصاد، تربیت انسان‌ها و زندگی خانوادگی، نجات دهنده خواهد بود، زیبا شناسی این فرهنگ و الگو نیز از بهترین ویژگی و شاخصه‌های اقتدار زائی آن است. (فیروزآبادی، اسفند ۱۳۸۶)

۴- تهاجم محوری در روابط و تعاملات خارجی

در زمینه سیاست خارجی هم دولت اسلامی و منتظر ظهور باید موضع تهاجمی به خود بگیرد و حق را طلب نماید. تبدیل موضع تهاجمی به موضع تدافعی برای منتظران ایشان، یک خطاست. منتظران حقیقی باید طلبکار دنیای استعمارگر باشند. آنانی که زمین را پر از فساد کردند با ایجاد جنگ‌های داخلی و فروش تسلیحات گوناگون، اشاعه سلاح‌های اتمی و شیمیایی و میکربی و تخریب اخلاقیات و توسعه فرهنگ استهجان و لابیالی گری و اشاعه شهوت جنسی چیزی جز فساد به همراه نمی‌آورند، باید با قدرت از آنان مطالبات یک ملت زنده را خواست و پاسخ گرفت.

باید دولت اسلامی و مهدی باور در سیاست خارجی خود به حمله و هجوم روی آورد، منتظران باید بدانند دنیای استکبار مفسده جو و زیاده طلب است و باید به این فرهنگ ضد عدالت در حوزه‌های سیاست خارجی، مدعیانه هجوم برد و خلاقانه و هوشمندانه مطالبات منتظران حقیقی را دنبال کرد (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

منتظر مصلح و موعود عدالت گستر، در هر دینی، اگر توجیه شود و نسبت به منجی اتصال برقرار کند، انسانی مبلغ و ضد استکبار، مبارز، انقلابی و مبلغ ارزش‌های منجی می‌گردد. این آموزه باید در همه آموزه‌های آینده پژوه اصل قرار گیرد که اگر هر مسلمانی منتظر مهدی و مهدی شناس گردد، مجاهد و ضد استکبار نیز خواهد شد. (فیروزآبادی، اسفند ۱۳۸۶)

راهبرد های زمینه‌ای در آینده نگاری ظهور

۱- توجه همزمان به نیازهای مادی و معنوی منتظران ظهور

دولت اسلامی موظف است که جدای از نیازهای خارجی، مسکن و آسایش و آرامش ظاهری زندگی مردم، به اخلاق دینی و تبلیغ و راهنمایی آنان در صراط مستقیمی که جوان‌ها مشتاقانه و آگاهانه، آن سو را می‌جویند توجه نموده و با آموزش و پرورش آنها، به رشد علمی و دینی و تقوایی آنها اهمیت بخشد، تا راه خدمت صادقانه، متعهدانه و مخلصانه به مردم را مشتاقانه و علاقمندانه انتخاب نمایند و در آن از هیچ تلاشی فروگذار نباشند.

انگیزه‌مندی و تحرک و علاقه در جوانان مسلمان و تشنه کار که آماده و مستعد خدمت در این راه و مسیرند و مدیریت خوب و فعالانه این ظرفیت می‌تواند با انتخاب این راهکار، پویایی، پیشرفت و جسارت در نزد مدیران افزایش پیدا کرده تا امکان رشد و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم شود. (آیت ... خامنه‌ای، تیرماه ۱۳۸۶)

امروز تمامی نهادهای استکباری که قدرت، ثروت، فناوری و رسانه‌های خبری دنیا را می‌خواهند تحت سیطره خود در آورند، هدف برخورد با جامعه‌های آرمانی دارند، تلاش خود را دور کردن انسان از اندیشیدن به معنویت قرار داده تا نیل به مادیت تسریع شود. اما درک نمی‌کنند که این بشر، تشنه معنویت و در نیل به مشارکت در تحقق ظهور منجی برگزیده می‌باشد. باید کاری کرد که تمامی دنیا و مردمان آن درک کنند منجی و موعود منتظران خواهد آمد و هر کس در هر جای دنیا با هر اعتقادی به دنبال مهیا ساختن زمینه‌های ظهور منجی مصلح و عدالت گستر باشد و این کارکرد را باید در قالب معنویت تبلیغ کرد. (فیروزآبادی، اسفند

۲- مبارزه با عقب ماندگی و فساد

منتظران و خدمتگزاران صادق باید با فساد مبارزه کنند، هر چند که مبارزه با فساد به صلاح و شایستگی احتیاج تام دارد؛ ولی منتظران حقیقی اول باید به تزکیه و صلاح خود پردازند و سپس خود را آماده مبارزه با فساد کنند. اگر نقطه ضعفی از باب فسادپذیری در نزد آنان و یا جامعه اسلامی و کارگزاران آن رسوخ کند، دیگر نمی‌توانند به راحتی در آن حوزه قدم گذاشته و به عدالت گستری و مبارزه با فساد پردازند، لذا باید همه منتظران در این راه گام برداشته و از خودشان نیز مواظبت کنند، مواظب خود باشند. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

۳- توجه به تحرک آفرینی و نوآوری تبلیغی در حوزه‌های علمی

ترویج فرهنگ تحرک آفرین و آینده نگر در حوزه‌های علمیه و مبلغان دینی به منظور مقابله با برداشت غلط و انحرافی، سبب می‌شود تا خدمتگزاران منجی موعود بتوانند با برخورداری از اعمال پاک، شهامت و آگاهی عالمانه خود و جامعه مورد تبلیغ را مهیای ظهور منتظر(ع) نمایند. ایستایی، بی‌اعتنایی و هم‌نوایی با وضع موجود و صرفاً منتظر ظهور موعود نشستن در این نگرش کاملاً مطرود است؛ زیرا دولت ایده‌آل عصر ظهور محصول سیر استکمالی جامعه انسانی و اخلاقی و قدرتمند است.

دوست داشتن و انتظار بی‌عمل، اگر مطلوب هم باشد، کافی نیست و باید با تلاش عملی و همه جانبه آن را ثابت نماید. بهره‌گیری از آموزه‌هایی هم‌چون «موعودگرایی»، «انتظار فعال»، «اجتهاد سازنده» و «مرجعیت و ولایت‌فقیه» «اتفاق ادیان موحد» پویایی خاصی به این رویکرد بخشیده و تشیع را به شایسته‌ترین مبلغ این دکترین پیشرو در میان موحدین مبدل می‌سازد.

۴- تقویت بستر های فرهنگی تسلیم ناپذیری در مقابل دشمنان

ملتی که معتقد به مهدویت است هیچ‌گاه نباید احساس ضعف کند، بلکه باید با قدرت و تحمل سختی‌ها و فشارها به مسیر پیشرفت و عزت خود ادامه داده و در مقابل زورگویان سر تسلیم فرود نیاورد.

۵- توسعه منطقی آینده‌ای روشن و پر افتخار

هیچ مانعی نباید در راه پیشرفت و کمال معتقدان به مهدویت کارگر باشد و مردمی که مکتب انتظار مهدوی را در پیش گرفته‌اند باید دارای یک سرنوشت زیبا و خوشایند باشند، هرچند که برخی مایلند ملت و امت اسلامی را عقب‌نگه‌دارند و دائماً زیر دست آنان و محتاج به بیگانه باشند، درحالی‌که اسلام چنین اجازه‌ای را به مسلمانان نداده است و ملت

ایران با جهاد و کوشش توانسته اند خود را به مرز خود کفائی و پیشرفت و اقتدار برسانند و در میان کشورهای جهان به عنوان یک امت وسط و نمونه به تعبیر قرآن مطرح باشند و با اطمینان کامل منتظر عصر نورانی مهدویت باشند.

رهبر انقلاب در این باره می فرماید: "انتظار فرج علاوه بر این که به معنای گذرا بودن وضعیت ظلم و جور کنونی دنیا و در نهایت، استقرار حکومت عدل الهی است؛ به مسلمانان می آموزد که در زندگی فردی و اجتماعی هیچ بن بست و وجود ندارد و نباید یاس بر زندگی حاکم شود." (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۴)

۶- توسعه بسترهای نشاط و عزم ملی در عرصه های تولید علم و خدمتگزاری

بسیاری از مسلمانان به این نتیجه رسیده اند که با اتحاد و همبستگی کامل در زیر پرچم پر افتخار نظام اسلامی که پرتویی تابناک از حکومت علوی و مهدوی علیهم السلام می باشد، می توانند گوی سبقت را در تمامی زمینه های علم و خدمت از دیگران برابیند و خود را به قله های رفیع تکامل و سعادت برسانند. چنان چه "امید به آینده بدون عمل معنی ندارد. امام زمان (ع) بر اعمال و رفتار انسان ها و کردار پیروان و منتظران خود آگاهی دارند و از هر گونه فعالیت و نشاط و عزم راسخ در عرصه های معنوی و میدان های کار و تلاش خرسند می شوند. ملت بزرگ ایران امروز قوی تر از گذشته و با عزم های راسخ برای پیشبرد اهداف و آرمان های بلند خود محکم ایستاده و تسلیم هیچ گونه فشار و تهدیدی نخواهد شد." (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

□ نتیجه گیری

هدف آینده پژوهان این است که اندیشه و ذهن جامعه را به سؤال و چالش وادارند. به همین دلیل آنان را ترغیب می کنند تا به بررسی نقادانه عادت رفتاری خود بپردازند، انتخاب های دیگر را نیز مد نظر داشته باشند، در جستجوی پیشامدهائی باشند که ناشناخته است، به تجزیه و تحلیل اهداف و ارزش های خود بپردازند، نسبت به آینده و کنترلی که احتمالاً روی آن می توانند داشته باشند هوشیارتر باشند و به آزادی و بهروزی نسل آینده بیانديشند ...

اگر بخواهیم جامعه دینی ایده آل را تحقق بخشیم، ناگزیر باید آینده پژوه باشیم. از منظر عدالت و آزادی انسان، تصور آینده های گوناگون و سپس انتخاب میان آنها را شیرین و محقق سازیم و باید بتوانیم جامعه‌ای خوب و شایسته‌ای بیارائیم و بصیرت جامعه را نسبت به آینده و فراتر از این که "آینده چه هست؟ چه می تواند باشد؟" را از طریق منجی باوری مجهز

نمائیم و آنان را به سمتی هدایت نمائیم که آگاهانه و با اراده خود به این که "آینده چه باید باشد؟" فکر نمایند و این مهم را مسلم بدانند که "آینده را ما از کسی به ارث نمی‌بریم و کسی آنرا به ما نمی‌بخشد، بلکه آینده آن چیزی است که باید بر اساس آنچه وعده داده شده و موظف به پیگیری و تحقق آن هستیم، تصور کرده و آن را بسازیم."

خداوند ما را مقید به گذر زمان قرار داده است و ما چاره‌ای جز ورود به آینده نداریم. لذا نمی‌توانیم نسبت به آینده بی تفاوت باشیم. مخصوصاً هنگامی که به نشانه‌های گوناگون، این گمان برود که آخرالزمان متعلق به انسان‌های شایسته، صالح، مخلص، عالم، شجاع و متدین است. لذا منتظران مصلح نمی‌توانند منفعل و نظاره‌گر باشند و بایستی خود را در جهت اتصاف به این ویژگی‌ها و توسعه آن در جامعه پیش ببرند. با راهبردهای آینده‌نگر می‌توان در ابتدا نسبت به آینده و آنچه رخ خواهد داد آگاهی صحیحی یافته و پس از اطمینان قلبی از مشخص شدن "چه خواهد شد؟" به این نکته توجه نمائیم که حال "چه باید کرد؟"، تا بتوانیم وظیفه خود را در این زمان درک و دنبال نمائیم. در این تحقیق تلاش شد تا با تکیه بر اصول و روندهای تدوین راهبرد آینده‌نگرانه، به بررسی نگرشی که به پایان و مدت زمان باقی مانده پرداخته و به موضوعاتی چون، "چه خواهد شد؟"، "چرا چنین خواهد شد؟" و به تبع آنها "چه باید کرد؟" پاسخ دهیم. زیرا چنین نگرشی نسبت به زمان است که، نه تنها "داشته‌ها" و "دستاوردها" را به سنجش فرا می‌خواند، بلکه با بررسی افق دور دست آینده که چه بسا، برای صاحبان چنین نگرشی، بسیار نزدیک باشد، در صدد نقد و بررسی وضعیت مطلوب و پراکنشی خو باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ منابع

- ۱- آیت ... خامنه ای، سید علی در دیدار رئیس جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام- تیرماه ۱۳۸۶.
- ۲- آیت ... خامنه ای، سید علی در بازدید از پژوهشکده رویان تیر ماه ۱۳۸۶.
- ۳- آیت ... خامنه ای، سید علی: در دیدار اعضای شورای نگهبان قانون اساسی و مسئولین بخش های نظارتی تیرماه ۱۳۸۶.
- ۴- استوارت هیوز، آگاهی و جامعه، مترجم: عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۵- الساده مجتبی، شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور). مترجم: محمود مطهری نیا ۱۳۸۳.
- ۶- امیری وحید، (مترجم و ویراستار). نظریه برخورد تمدن ها. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
- ۷- بی نا موعود نامه، قم: مشهور، ۱۳۸۳.
- ۸- پیچی، آئورلیو و دیگران. جهان در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه علی اسدی. تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول- ۱۳۷۴.
- ۹- تافلر الوین، جا به جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران، نشر سیمرغ، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- ۱۰- جزایری سید طیب، آخرین امید جهان وجود مقدس امام زمان(عج). قم، دارالکتاب، ۱۳۸۲.
- ۱۱- حسینی نواب سید مصطفی، جواهر السعداء در احوال امام عصر(عج). قم، اعلام التقی، ۱۳۸۳.
- ۱۲- والش، دلبیو، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، مترجم: ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۱۳- رحیمیان محمدرضا، حضور در دولت کریمه، قم، نشرصادق، ۱۳۸۳.
- ۱۴- سلیمیان خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۵- مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه، مترجم موسسه اسلامی ترجمه، نشرالماس، پاییز ۸۲.
- ۱۶- عزیزاده عمران، سخنان حضرت مهدی عجل الله، انتشارات خضراء، اردیبهشت ۱۳۶۳.
- ۱۷- سلیمیان، خدامراد، فرهنگنامه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) ۱۳۸۱.

- ۱۸- فیروز آبادی حسن: شرق موعود - شماره ۸۴ قم، اسفند ۱۳۸۶.
- ۱۹- فیروز آبادی حسن: همایش آینده روشن و دکترین مهدویت - تهران - ۱۳۸۶.
- ۲۰- کارگر رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج).
- ۲۱- کار، اس. اچ، تاریخ چیست؟ مترجم، حسن کامشاد، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۳.
- ۲۲- ریموند، کارل، فقر تاریخیگری، مترجم، احمد آرام، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- ۲۳- گل محمدی، فریده، رسالت جهانی حضرت مهدی (عج). دانش اسلام، چاپ هفتم - ۱۳۷۹.
- ۲۴- مرکز المصطفی، من علامات ظهور الامام المهدی علیه السلام. انتشارات مهاجر، چاپ دوم.
- ۲۵- مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر به ضمیمه چهار مقاله دیگر، چاپ دوم ۱۳۶۲.
- ۲۶- مظاهری، محمد، امکان طول عمر تابی نهایت. قم، ارغوان دانش، ۱۳۸۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی